

چالش‌های اقتصاد کلاسیک از منظر حق بر توسعه

احمد رضا توحیدی^۱، بهنام سالم^۲

^۱ عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

^۲ دکترای اقتصاد و دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران

نویسنده مسئول:

بهنام سالم

چکیده

در جهان معاصر بشر با بحران‌های مختلفی مواجه است. تروریسم جهانی، جنگ‌های منطقه‌ای، بحران محیط زیست، فقر جهانی و عدم وجود عدالت اقتصادی در جهانی شدن از جمله مشکلات جهان ما محسوب می‌شوند. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای جهان با توجه به تجربیات تلخ دو جنگ خانمانسوز درصدد ایجاد سازمان و مکانیسمی برآمدند تا اختلافات کشورها از طریق مسالمت آمیز حل و فصل شود که بر این اساس سازمان ملل متحد ایجاد شد و منشور این سازمان بستر قانونی آن را فراهم نمود. بر این اساس به طور کلی توسل به زور ممنوع شد مگر در موارد کاملاً استثنایی^۱ بعد از این ما شاهد توجه به مبانی و اصول حقوق بشری در صحنه بین‌المللی بوده ایم. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ به طور اجمال ضمن لزوم رعایت کرامت بشری یک سری از حقوق انسانی را متذکر شد. در مراحل بعدی توسعه حقوق بشر ما شاهد معرفی حقوق مختلف بشری و لزوم حمایت هر چه بیشتر از این حقوق هستیم. میثاقین مربوط به حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی از جمله این اسناد هستند^۲.

این روند تکاملی حقوق بشری همچنان ادامه دارد و امروز حقوق بشر نسل سوم مطرح است که حق توسعه، حق استفاده از محیط پست سالم از جمله مهم ترین آن‌ها تلقی می‌شوند.

در این تحقیق اولاً چالش‌های اقتصاد معاصر به لحاظ نظری در بحث تعادل اقتصادی، توسعه نامتوازن، مشکلات جهانی شدن مطرح می‌شود. ثانیاً حق توسعه به عنوان مهم ترین حق بشری مطرح می‌شود و تاکید می‌شود اگر این حق بر معنای واقعی خود محقق نشود سایر حقوق بشری نیز به طور مطلوب محقق نخواهد شد. و در انتهای این تحقیق نتیجه آن بیان می‌شود.

کلمات کلیدی: توسعه، حق بر توسعه، عدم تعادل اقتصادی، عدم تعادل منطقه ای، جهانی شدن.

^۱ مطابق ماده (۲) منشور توسل به زور و حتی تهدید به آن هم ممنوع است و این به عنوان اصل اساسی مطرح است. تنها در دو حالت توسل به زور توجیه دارد یکی در موقع حق تعیین سرنوشت و دفاع مشروع انفرادی و دیگری در مورد دفاع مشروع جمعی که توسط شورای امنیت فصل هفتم قابل اجرا است.

^۲ میثاق حقوق مدنی سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی هر دو در ۱۹۶۶ به تصویب رسیدند و حاوی مهم ترین حقوق بشری برای اعتلای بشر در رعایت کرامت انسانی او هستند.

مقدمه

۱. چالش‌های مربوط به تعادل اقتصادی

آنچه که در متون درسی اقتصادی بحث می‌شود این است که با توجه به شرایط رقابت کامل در اثر تعامل عرضه و تقاضا در بازار یک تعادل منحصر به فرد تحت عنوان (بهینه پارتو) ایجاد می‌شود که در این نقطه تخصیص بهینه کالاها و عوامل تولیدی انجام می‌شود. در همین زمینه بحث می‌شود که اگر عدم تعادلی هم باشد توسط مکانیسم دست نامریی در اقتصاد برطرف می‌شود و در نهایت به تعادل می‌رسیم.^۳

اما شواهد و وقایع، خلاف این نظریه را ثابت کرد مهمترین بحرانی که به آن اشاره می‌شود بحران ۳۰-۱۹۲۹ است که شکست اقتصاد کلاسیک را نشان داد.^۴ جان مینارد کینز اقتصاددان انگلیسی به طور جدی تعادل کلاسیکی را مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که این تعادل واقع نمی‌شود و به جای تعادل ما شاهد عدم تعادل هستیم. تاکید کینز بر عدم تعادل در بازار کار و وجود بیکاری ارادی و غیرارادی بود و این که عدم تعادل بازار کار موجب عدم تعادل اقتصادی خواهد شد. در واقع کینز اظهار داشت که ما با عرضه و تقاضای سهمیه بندی روبرو هستیم و دست نامرئی هم نمی‌تواند عمل کند و اگر هم تازه بخواهد عمل کند زمان می‌برد.^۵ بر این اساس کینز معتقد به دخالت فعال دولت (مثلاً از طریق افزایش مخارج دولتی) بود و به سیاست‌های پولی اعتقادی نداشت. این نظریه امروزه طرفداران زیادی دارد و براساس آن بسیار از دخالت‌های دولت در اقتصاد برای ایجاد بستری برای رقابت کامل قابل توجیه است.^۶

۱-۱. عدم تعادل در بازار پول

در این قسمت از تحقیق عدم وجود تعادل در بازار پول که منجر به رکود می‌شود بررسی می‌شود. کینز در کتاب خود تحت عنوان (تئوری عمومی اشتغال، بهره و پول) عدم تعادل اقتصاد کلاسیکی را مورد بحث قرار می‌دهد.^۷

الف) اصول موضوعه اقتصاد نئوکلاسیکی و اقتصاد کینزی^۸

مطابق نظریات اقتصاد پولی دو اصل اساسی در اقتصاد حاکم است:

۱. وقتی که مانده‌های واقعی همچنان افزایش می‌یابد، مطلوبیت نهایی پول نهایتاً به صفر می‌رسد.

۲. بازارها در هر نقطه از زمان تسویه می‌شوند.

در فرض اول پول تنها دارای یک وظیفه است و آن هم انگیزه معاملاتی است و لذا مطلوبیت نهایی آن در نهایت به صفر می‌رسد و تعادل برقرار می‌شود. در این تحلیل کلاسیکی اقتصاددانان کلاسیکی فرآیند تعدیل را حذف کرده و صرفاً آن را به عنوان پدیده‌ای کوتاه مدت در نظر می‌گیرند که در واقع در فرض دوم یعنی تسویه بازار در هر زمان متجلی می‌شود. اما تحلیل کینزی خلاف این را نشان می‌دهد. در تحلیل کلاسیکی براساس تعدیلات قیمتی (قیمت گذاری والراسی) تعادل بازار رقابت کامل ایجاد می‌شود اما تحلیل کینزی بر مبنای قیمت گذاری غیروالراسی در جریان تعدیل است یعنی مکانیسمی غیر از عرضه و تقاضای قراردادی (متعارف) را در نظر می‌گیرد. براین اساس درآمد به طور پایدار کمتر از درآمد کلاسیکی قرار می‌گیرد. اما می‌توان نشان داد حتی در تعدیل قیمتی والرسی نیز براساس تحلیل کینزی ما عدم تعادل داریم. اصول (فروض) کینزی به شرح ذیل هستند:

۱. مطلوبیت نهایی پول (دارایی) حتی وقتی که مانده‌های واقعی پول نهایت افزایش را دارند مثبت باقی می‌ماند.

۲. سرعت تعدیل قیمتی محدود است. و در نتیجه ما شاهد مازاد عرضه (تقاضا) در بازار هستیم که موجب انقباض (تورم) می‌شود.

^۳ بر این اساس در این اقتصاد شعار بگذار بگذرد و بگذار بشود مطرح می‌شود معنای آن این است که باید آزادی اقتصادی برقرار شود و از هر گونه دخالت در بازار اجتناب شود.

^۴ در حال حاضر نیز انواع بحران‌های اقتصادی از جمله سقوط بازار سهام و رکود بخش مسکن و رکود جهانی کماکان به طور جدی و ملموس وجود دارد.

^۵ این که کلاسیک‌ها گفتند بازار بعد از مدتی به تعادل می‌رسد مورد قبول کینز نبود و شعار معروف او این بود که در بلندمدت ما مرده ایم و لذا اینکه در بلندمدت تعادل حاصل می‌شود مورد قبول او نبود و تاکید داشت دولت باید دخالت نماید.

^۶ در بحث نظری اقتصاد کینز و طرفداران او تحت عنوان (مالیون) نامگذاری شده اند و نظریات آن تحت عنوان (عدم تعادل) مطرح است. امروزه کینزین‌های جدید از جمله نظریات مهم اقتصادی محسوب می‌شود که صاحب نظران آن نه تنها عدم تعادل بازار کار بلکه عدم تعادل در بازار پول را مورد تاکید قرار داده اند.

^۷ Keynes (1936:5-6)

^۸ در این تحقیق اقتصاد معاصر مورد تحلیل قرار می‌گیرد که اعم از اقتصاد کلاسیکی (کلاسیک جدید)، نئوکلاسیکی و پولی می‌باشد.

در واقع فرض اول کینزی حاکی از اشباع ناپذیری پول است که خود این فرض نشان می دهد انگیزه نگهداری پول تنها انگیزه معاملاتی نمی باشد. پول خواصی دارد که تقاضای آن را اشباع ناپذیر می سازد. با پول ما قدرت اجتماعی کسب می کنیم ضمن آنکه می توانیم هر نوع کالا و دارایی را که می خواهیم بخریم.^۹ به هر حال براساس دو فرض فوق الذکر ما شاهد عدم تعادل و رکود دائمی خواهیم بود و آنچه که کلاسیک ها به عنوان تعادل مطرح می کنند یک حالت حدی و استثنایی از موقعیت مذکور است.

ب) مطلوبیت پول

همان طور که بیان شد پول از نظر کلاسیک ها (نئوکلاسیک ها) صرفاً وسیله ای برای نگهداری ثروت و وسیله مبادلات است که این واقعیت ندارد. برای اینکه موضوع مجسم شود به داستانی اشاره می شود که توسط کریستین آندرسون (۱۸۳۶) بیان شده است: زنی ۱۲ تخم مرغ داشت و در رویای خود فکر فروش آنها را داشت که می توانست چیزهای دیگری را بخرد و در نهایت تخم مرغ ها افتادند و آرزوهای او هم از بین رفت تخم مرغ های او نه تنها قابل خوردن بود بلکه به او امکانات مختلفی برای خرید سایر کالاها طبق رویاهایش می داد. بنابراین خود پول دارای مطلوبیت است و مارکس هم در کتاب سرمایه خود به این واقعیت اشاره می کند. او می گوید کالاهایی فروخته می شوند نه با هدف خرید سایر کالاها بلکه برای اینکه کالای به شکل پول جایگزین کالاهای قبلی شود. بدینسان به جای صرفاً وسیله ای از جریان کالاها، این تغییر شکل دارایی به عنوان هدف مطرح می شود.^{۱۰}

به هر حال مارکس معتقد بود مطلوبیت نگهداری پول دارای خاصیت کاملاً طبیعی از اشباع ناپذیری آن است.^{۱۱} کینز در فصل هفتم تحت عنوان خصوصیات اساسی بهره و پول در کتاب نظریه عمومی به خاصیت اشباع ناپذیری مطلوبیت پول اشاره می کند و رکود ناشی از این خاصیت را متذکر می شود و خاصیت نقدینگی پول را به صورت مطلوبیت پولی اندازه گیری شده به شکل درآمد پولی بیان می کند. سپس او بهترین تعریف یک اقتصاد به اصطلاح پولی را به این صورت بیان می کند: اقتصادی که در آن هیچ دارایی وجود ندارد که نقدینگی آن بیشتر از هزینه های حمل آن باشد.^{۱۲} با توجه به اینکه هزینه حمل پول صفر است این کلام کینز متضمن آن است که اقتصاد پولی اقتصادی است که در آن یک دارایی وجود دارد (مثلاً پول) که برای آن همیشه قدرت (امتیاز) نقدینگی اکیداً مثبت است یعنی مطلوبیت پول اشباع ناپذیر است.

به هر حال مطالب فوق الذکر بدین جهت عنوان شد تا اصل کینزی مطرح شده توجیه شود. او با توجه به این نکته در فصل هفدهم کتاب خود (نظریه عمومی) رکود را تحلیل می کند. امروزه با تحلیل پویای تعادل در اقتصاد پولی ثابت شده است حتی بدون چسبندگی قیمت - دستمزد هم ما شاهد رکود دائمی هستیم.^{۱۳}

۲. چالش های توسعه نامتوازن

به طور کلی اقتصاد کلاسیکی موجب توسعه نامتوازن در اقتصاد داخلی می شود و این عدم توازن هم در سطح بخش های اقتصادی و هم در سطح مناطق مشاهده می شود. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ معیار توسعه GDP (تولید ناخالص داخلی) یا درآمد سرانه بود ولی با توجه به شکاف عمیق درآمدی میان مناطق نظرات توسعه متوازن و رشد همراه با عدالت مطرح شد.

۲-۱. کلیاتی در مورد توسعه اقتصادی

در یک تعریف کلی توسعه اقتصادی یعنی رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی یعنی ارتقای فراگیر و همه جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه^{۱۴}

۲-۱-۱- شاخص توسعه

شاخص های توسعه مختلفی برای اندازه گیری توسعه در ادبیات اقتصادی تعریف شده اما با توجه به اهداف این تحقیق چند شاخص مهم توسعه مورد بررسی قرار می گیرد:

^۹ Ono, Yoshiyaso, (1994) P. 2-4.

^{۱۰} Marx, 1906: 150

^{۱۱} Marx, 1906: 146

^{۱۲} Keynes, 1916: 239

^{۱۳} برای مطالعه بیشتر به منبع ذیل رجوع شود:

Ono, Yoshiyaso, (1994), Money, Interest and Stagnation. Clarendon Press, Oxford.

^{۱۴} متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، ص ۱۲

الف) شاخص توزیع درآمد

این شاخص در رابطه با عدالت اقتصادی مطرح می شود و بهره مندی آحاد جامعه را از مواهب توسعه بیان می کند. شواهد نشان می دهد نابرابری در کلیه جوامع وجود دارد ولی شدت نابرابری در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. یکی از شاخص های مهم در این زمینه ضریب جینی است که بین صفر و یک است و هر چه به یک نزدیکتر باشد توزیع درآمد برابرتر است.^{۱۵}

در فرآیند توسعه بر ایجاد نابرابری اشاره می شود. ابتدا باید سرمایه گذاری های زیربنایی انجام شود که به طور عمده دیر بازده هستند و از طریق وضع مالیات بر عموم مردم تامین می شود و ایجاد نابرابری می نماید. طی زمان وقتی که سرمایه گذاری های زیربنایی به ثمر رسیدند باز نابرابری ادامه یافته و حتی تشدید می شود. در مرحله بعدی رونق اقتصادی اقدامات و سیاست های رفاهی بسط می یابد و بر درآمدهای بالا مالیات تصاعدی وضع می شود و در نتیجه نابرابری کم شده و سیر نزولی می یابد.^{۱۶}

ب) شاخص توسعه انسانی (HDI) ۱۷

این شاخص سه ظرفیت اساسی را در بردارد: کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی بهتر و برخورداری از عمری طولانی تر توأم با سلامتی بیشتر برای اندازه گیری ظرفیت اول نرخ با سواد بزرگسالان و برای اندازه گیری ظرفیت دوم قدرت خرید واقعی افراد و برای اندازه گیری ظرفیت سوم از امید به زندگی در بدو تولد استفاده می شود. میانگین وزنی این سه شاخص تعیین کننده شاخص توسعه انسانی است. این شاخص بین صفر (حداقل) و یک (حداکثر) قرار دارد:

توسعه انسانی کم $0 < HD < 0/5$

توسعه انسانی متوسط $0/5 < HD < 0/799$

توسعه انسانی بالا $0/8 < HD < 1$

معمولاً مقدار این شاخص در کشورهای توسعه یافته بالا است (ایالات متحده و ژاپن) و در کشورهای کمتر توسعه یافته کمتر است.^{۱۸}

۲-۲. دوگانگی اقتصادی

یکی از معایب عمده نظریات توسعه اقتصادی معاصر ایجاد دوگانگی اقتصادی می باشد که این مشکل در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشورهای صادرکننده مواد اولیه به طور ملموس تری قابل مشاهده است. به طور کلی روند توسعه کشور باید از اقتصاد معیشتی و سنتی گذر نماید و به اقتصاد پیشرفته و تولید انبوه برسد. به لحاظ تاریخی روند توسعه در اروپا با تولید ماشین بخار یا حتی قبل از آن با افزایش تولید کشاورزی توسط ماشین آلات نسبتاً پیشرفته آغاز شد.

در کشورهای صادرکننده مواد اولیه (مثل نفت) عدم تعادل یا دوگانگی اقتصادی به مراتب بیشتر می شود. درآمد باد آورده ناشی از فروش دارایی ملی (که همیشه قیمت آن کمتر از ارزش واقعی آن بوده است) به اقتصاد ملی سرازیر می شود. کشور توان جذب این درآمد را به لحاظ ساختار ضعیف تولید ندارد و در نتیجه این درآمد صرف واردات خارجی می شود. این واردات انبوه صنایع بومی و سنتی را که قادر به رقابت نیستند نابود می کند. در مرحله بعدی با اتخاذ سیاست جانشینی واردات صنایع مونتاژ ایجاد می شود که وابستگی کشور را به فناوری خارجی افزایش می دهد و ساختار اقتصادی را با عدم تعادل و کارایی مواجه می سازد.

جلوه دیگر دوگانگی وجود یک بخش پیشرفته است که از فناوری پیشرفته استفاده می کند و سرمایه گذاری های زیربنایی مربوط نیز همانند حمل و نقل، جاده و انرژی هماهنگ با آن توسعه یافته است. این بخش پیشرفته معمولاً در صنایع صادراتی و کشاورزی صادراتی (مثل ایجاد کشت و صنعت های مدرن) وجود دارد. در مقابل بخش سنتی و عقب افتاده فقط هزینه بخش مدرن را تقبل نموده و هیچ سهمی از ثروت ملی ندارد تازه اگر هم سهمی از این ثروت به آن برسد در مقایسه نسبی با بخش پیشرفته کماکان در وضعیت ضعیف و عقب افتاده قرار دارد. نتیجه این روند ناسالم اقتصادی، مهاجرت بی رویه روستائیان، حاشیه نشینی فقر شدید، فساد و سایر مشکلات اجتماعی خواهد بود. پدیدهایی مانند تورم و بدتر از آن تورم رکودی (Stagnation) ناشی از عملکرد ضعیف اقتصادی و توسعه نامتناسب اقتصادی ایجاد خواهد شد.^{۱۹}

^{۱۵} متوسلی، محمود (۱۳۸۲) ص ۲۰

^{۱۶} متوسلی، محمود (۱۳۸۲) صص ۲۱-۲۲

^{۱۷} Human Development Index

^{۱۸} متوسلی، محمود (۱۳۸۲) صص ۲۶-۲۵

^{۱۹} متوسلی، محمود (۱۳۸۲) صص ۵۰-۴۲

۳. جهانی شدن و آثار اقتصادی آن

به طور اقتصاد کلاسیکی براساس نظریات مزیت اقتصادی مطلق (یا نسبی) تجارت جهانی را عامل رشد و توسعه در سطح جهان تلقی می‌کند. رشد تجارت در دهه ۱۹۸۰ به بعد حاکی از همین تفکر است. گات که بعداً تحت نام سازمان تجارت جهانی (WTO)^{۲۰} فعالیت می‌نماید برای تشویق و تسهیل تجارت جهانی به وجود آمد. اصول مربوط به سازمان تجارت جهانی بر مبنای آزادسازی تجاری است. آزادسازی به معنای به حذف موانع غیرتعرفه ای و کاهش موانع تعرفه ای است. بر این اساس یک برنامه تثبیت برای کاهش زمان بندی شده نرخ‌های تعرفه توسط WTO تهیه شده کد البته برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته امتیازاتی قائل شده است. در واقع کشورهای مذکور با توجه به ساختار ضعیف اقتصادی به زمان بیشتری برای کاهش نرخ‌های تعرفه نیاز دارند.^{۲۱}

در رابطه با آزادسازی تجاری مطالعات مختلفی انجام شده است. معمولاً آثار آزادسازی در کوتاه مدت و بلندمدت و نیز دوره انتقالی ارزیابی می‌شود. مسلماً آزادسازی دارای آثار منفی و مثبت است اما این که اثر نهایی آزادسازی چقدر است کاملاً مشخص نیست. بسیاری از طرفداران آزادسازی معتقدند آثار منفی کوتاه مدت موقتی است و آثار مثبت بلندمدت اقتصادی می‌تواند این آثار منفی را جبران نماید. آثار مثبت ناشی از دستیابی به بازارهای جهانی، انتقال فناوری، واردات ارزان قیمت و در نهایت حصول کارایی اقتصادی است. از جمله آثار کوتاه مدت افزایش تولید کالاهای صادراتی و کاهش تولید کالاهای وارداتی و نیز افزایش تولید کالاهای سرمایه ای است. دستمزد در بخش وارداتی افزایش و در بخش کالاهای صادراتی و غیرمبادله ای کاهش می‌یابد. در دوره انتقالی شاهد خروج سرمایه و نیروی کار از بخش کالاهای وارداتی و بر عکس ورود سرمایه و نیروی کار به بخش کالاهای صادراتی هستیم. مضافاً شاهد ورود سرمایه به بخش غیرقابل مبادله و خروج نیروی کار از بخش غیرقابل مبادله هستیم. اینکه آثار کوتاه مدت آزادسازی فوری است یا زمان می‌برد و اینکه سرعت تعدیل زمانی میان آثار کوتاه مدت و بلندمدت چقدر است نیازمند کار تجربی است و جواب روشنی ندارد.^{۲۲} با توجه به آثار منفی آزادسازی و نیز اثر آن بر نرخ ارز که می‌تواند عدم ثبات مالی را ایجاد نماید همه صاحب نظران معتقد به اجرای تدریجی و محتاطانه آزادسازی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه هستند. نکته دیگر آنکه معمولاً در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته درآمد تعرفه ای سهم مهمی از درآمد آنها را تشکیل می‌دهد و کاهش تعرفه موجب کاهش شدید درآمد آنها می‌شود.

در مطالعه تجربی انجام شده در مورد تخمین آثار آزادسازی کشاورزی طی دهه ۱۹۹۰ میلادی ضریب واردات کل در ایران و فیلیپین به عنوان دو کشور با درآمد کمتر از متوسط مثبت شده معه‌ذا در مورد اشتغال، اثر آزادسازی مثبت تلقی شد. از طرف دیگر در همین دوره آزادسازی اثر منفی شدیدی بر اشتغال هند داشته است اما در پاکستان اثر مثبت بر سطح اشتغال داشته است. هر دو کشور با درآمد کم تلقی می‌شوند.^{۲۳} در مطالعه تجربی اثر آزادسازی طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۵۳ در مورد صنایع ایران نتایج مختلفی به دست آمده است. به طور کلی با توجه به آزادسازی از ۱۳۷۲ به بعد صادرات افزایش یافته است. همچنین تعرفه تاثیر منفی زیادی بر واردات داشته است به طوری که هر یک درصد افزایش تعرفه ۲/۴۳ درصد کاهش واردات را ایجاد کرده است. اثر دیگر این مطالعه که در نوع خود جالب می‌باشد این است که برخلاف سایر مطالعات که آزادسازی سبب افزایش واردات می‌شود در ایران سبب کاهش واردات شده که این نتیجه ناشی از آن است که اثر آزادسازی از اثر تضعیف ریال (افزایش نرخ ارز واقعی) بیشتر است.^{۲۴}

بر این اساس با توجه به آسیب پذیری اقتصاد ملی خصوصاً صنایع رقیب واردات و بخش‌هایی مانند کشاورزی و نیز مناطق محروم کشور باید در زمینه آزادسازی و الحاق به سیاست‌های WTO نهایت دقت و احتیاط را به عمل آورد. تجربه تلخ بعضی از بدهکارترین کشورها مثل آرژانتین و برزیل عبرتی برای سایر کشورها در رابطه با اتخاذ و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و WTO بدون توجه به ساختارهای واقعی اقتصادی مالی است.

²⁰ World Trade Organization

^{۲۱} سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱-۳

^{۲۲} سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱۵-۱۹

^{۲۳} سالم، بهنام (۱۳۸۹) ص ۱۰۴

^{۲۴} سالم، بهنام (۱۳۸۹) صص ۱۲۰-۱۲۳

۴. حق بر توسعه

حق بر توسعه از جمله حقوق بشر است که اهمیت زیادی دارد و لذا باید قبل از آن اهمیت حقوق بشر تبیین شود. بعد از تصویب منشور ملل متحد با توجه به اهمیت حقوق بنیادین بشری اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۴۸ رسید. نکته قابل توجه در این اعلامیه واژه (جهانی) است که حاکی از جهان شمول بودن حقوق بشر است و لذا واژه (بین المللی) به کار نرفت زیرا استحقاق بشر نسبت به این حقوق فراتر از اراده حاکمیتی کشورها است اعلامیه وین در ۱۹۹۳ نیز بر جهان شمول بودن حقوق بشر تأکید دارد.^{۲۵}

حقوق بشر در واقع مطالباتی است که حق مردم به خاطر انسان بودن آنها تلقی می شود و حاکمیت ها ملزم به اعطا این حقوق هستند و هیچ قید و شرطی هم ندارد. به عبارت دیگر حقوق بشر حق انسان به ماهو انسان است یا همان اصطلاح انسان استعلائی. یعنی اگر انسانی را فارغ از هر نوع اعراض مثل رنگ، نژاد، موقعیت و امثال آن در نظر بگیریم دارای این حقوق است و در واقع یک مفهوم انتزاعی برای انسان در نظر گرفتیم. این مفهوم از بشر در مسیحیت هم (گرچه با مفاهیم معنوی انسان آمیخته شده است) وجود دارد. این مفهوم از انسان در قرآن مجید هم آمده است (سوره ۱۷ آیه ۷۰) که دلالت بر کرامت ذاتی انسانی دارد.^{۲۶}

در سیر تحول حقوق بشر که از حقوق اساسی مثل حق حیات شروع شد کم کم به حقوق بشری می رسیم که نیاز به اقدامات مثبت دولت دارد که شامل حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی می شود که در میثاق مربوط مصوب ۱۹۶۶ آمده است مثل حق آموزش، حق مسکن مناسب که تحت عنوان حقوق بشر نسل دوم مطرح می شوند. در دوره ۱۹۸۰-۱۹۶۰ نسل دوم حقوق بشر مورد توجه واقع شد که بر اثر فشار کشورهای سوسیالیستی بود. از دهه ۱۹۸۰ به بعد کشورهای در حال توسعه که در حال گذر از مرحله سنتی به مرحله توسعه یافتگی بودند و نیز کشورهای عقب افتاده تلاش مضاعفی کردند تا برای نیل به رشد و توسعه مطلوب، حق بهره مندی از رشد و توسعه را به عنوان حق بشری وارد ادبیات حقوق بشری نمایند ولو اینکه بعضی از حقوق سیاسی و مدنی آنها محدود شود. این تحول منجر به ایجاد به اصطلاح نسل سوم حقوق بشر شد که از مهم ترین آنها حق بر توسعه می باشد.^{۲۷}

قبل از ورود به بحث حق بر توسعه لازم است به بحث عدالت هم اشاره شود که در حقوق بشر جایگاه والایی دارد. در نظریات معاصر اقتصادی بحث جمعی از عدالت وجود ندارد و تا حد زیادی متمرکز بر تخصیص بهینه و کارایی منابع و کالاهای رشد و توسعه مربوط به آن است. اما بحث عدالت بر مبنای سه محور مهم نیاز، حق و شایستگی می تواند قابل طرح باشد و اهمیت آن اهمیتی ذاتی است. بعد از این معرفی اجمالی باید مشخص کرد منظور از عدالت توزیعی چیست؟ با توجه به تعریف عدالت توسط جان راولز و عدالت ارسطویی و اصل اخلاقی کانتی و آنچه که مسیحیان از آن به عنوان قاعده طلایی یاد می کنند می توان عدالت توزیعی در زمینه تخصیص امکانات مادی و غیرمادی را تبیین کرد. بدیهی است اصل اولیه برابری همه افراد در تخصیص امکانات است. پس عدالت یعنی طوری رفتار کن که بخواهی به عنوان یک قانون کلی همه مانند آن رفتار کنند. (اصل کانتی) در واقع عدالت توزیعی دخالت دولت در توزیع مجدد ثروت را به نفع اقشار ضعیف توجیه می کند. عدالت یعنی رفتار برابر در شرایط برابر و رفتار نابرابر در شرایط نابرابر.^{۲۸} این نحوه برخورد در رابطه با دخالت دولت در اقتصاد می تواند فرآیند توسعه را متعادل تر نماید.

۴-۱. مفهوم حق بر توسعه در حق بشر

به طور کلی حقوق بشر در سه زمینه قابل طرح است که به ترتیب احترام، حمایت و توسعه (تعمیم) حقوق بشر را شامل می شود. در زمینه حق های رفاهی و نیز حق بر توسعه دولت ها یک حداقلی را باید رعایت نمایند و بالاتر از این حداقل ها وابسته به امکانات هر دولتی متفاوت خواهد بود. بنابراین رعایت حداقل ها برای حقوق مذکور وظیفه دولت و در واقع تعهد به نتیجه است اگر دولت ناتوان از تامین این حداقل ها به هر دلیلی باشد جامعه جهانی مسئول تحقق این حداقل ها خواهد بود. متأسفانه کشورهای توسعه یافته به وظایف خود در جهت حمایت از تحقق حقوق رفاهی در کشورهای ضعیف عمل نمی کنند مضافاً اینکه بعضاً با حمایت از حاکمیت های فاسد زمینه نقض این حقوق را فراهم می آورند. در خود کشورهای توسعه یافته نیز اقشاری هستند که از حداقل های رفاهی محروم هستند که شامل مهاجران، پناهندگان و بعضی از اقلیت های ساکن در این کشورها

^{۲۵} قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۱۷۴-۱۷۵

^{۲۶} قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۳۱-۳۶

^{۲۷} قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۶۴-۶۶

^{۲۸} قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۸۴-۸۷

می‌شود.^{۲۹} رشد اقتصادی که همراه با افزایش نابرابری و تبعیض و تمرکز هر چه بیشتر رفاه و قدرت اقتصادی باشد بدون آنکه شاخص‌های توسعه اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و درمانی و امثال آن را بهبود دهد یا حداقلاً همراه با نقض حقوق مدنی و سیاسی باشد نمی‌تواند حق توسعه در حقوق بشر را محقق سازد.^{۳۰}

با توجه به ابعاد حق بر توسعه در کنفرانس حقوق بشر در تهران در ۱۳۶۸ میلادی تاکید شد که برخورداری از حقوق اجتماعی و اقتصادی به طور جوهری در ارتباط با برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی است. در واقع یک رابطه عمیق میان تحقق حقوق بشری و توسعه اقتصادی است. در ماده ۱۲ اعلامیه کنفرانس حقوق بین الملل حقوق بشر تهران مقرر شد که شکاف روزافزون میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مانع تحقق حقوق بشر در جامعه بین المللی است. مضافاً ماده (۱۳) مقرر می‌دارد تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر نمی‌باشد.^{۳۱}

در مقدمه اعلامیه حق توسعه سازمان ملل مقرر شده که توسعه یک فرآیند فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود پایدار رفاه کل مردم و همه افراد بر مبنای مشارکت فعال، آزاد و با معنی انسان در توسعه و توزیع عادلانه منافع ناشی از آن است. بنابراین باید توسعه اقتصادی بر محور حقوق بشر طراحی و اجرا شود. مفهوم توسعه پایدار که نه فقط منافع نسل فعلی بلکه منافع نسل‌های آتی را هم در بر دارد در واقع نوعی تفکر حقوق بشری محسوب می‌شود. یکی از ابعاد توسعه پایدار توجه به ابعاد زیست محیطی توسعه است که در واقع مانع عمده برای تخریب گسترده سیاره در استفاده افراطی از منابع طبیعی آن می‌باشد.^{۳۲}

نتیجه‌گیری

در جهان امروز توسعه حقی مسلم و حیاتی در حقوق بشر تلقی می‌شود این حق هم در سیاست‌های ملی و هم در سطح جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اهمیت توسعه، اهداف توسعه هزاره در سازمان ملل مشخص شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر شده تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد ضروری است. در نهایت می‌توان نکات ذیل را به عنوان نتیجه بیان کرد:

۱. توسعه اقتصادی صرف ضامن تحقق حق بر توسعه نمی‌باشد.
۲. با توجه به چالش‌های اقتصاد معاصر توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی رشد و توسعه ضروری به نظر می‌رسد.
۳. نیاز به دخالت دولت در صحنه ملی برای تامین و حمایت از عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.
۴. با توجه به آثار منفی جهانی شدن و تجارت جهانی بر اقتصاد داخلی، اتخاذ و اجرای سیاست‌های جبرانی و تکمیلی از اولویت خاصی برخوردار است.
۵. محور قراردادن حقوق بشر در فرآیند توسعه ضامن رفاه و امنیت خواهد بود.

^{۲۹} قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) صص ۲۵۸-۲۶۱

^{۳۰} Salem, Behnam (2017)

^{۳۱} Salem, Behnam (2017)

^{۳۲} Salem, Behnam (2017), "The Right to Sustainable Development in international Human Rights", Survey of Malaysian Law, Vol. 14, ISSUE, 2.

منابع و مراجع

الف) فارسی

۱. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
۲. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، چاپ چهارم، انتشارات شهر دانش.
۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، چاپ سوم، انتشارات شهر دانش.
۴. متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).

ب) لاتین

BOOKS:

1. Marx, 1906, "Capital" International Institute of Social History, Amsterdam.
2. Keynes, John Maynard, 1916, "The General Theory of Employment, Interest and Money", Palgrave Macmillan.

1. One, Yoshiyaso, (1994), "Money, Interest and Stagnation", Clarendon Press Oxford.

Articles:

1. Salem, Behnam (2017), "The Right to Sustainable Development in international Human Rights", Survey of Malaysian Law, Vol. 14, ISSUE, 2.

Documents:

1. Millennium Development Goals, <http://www.UNDP.org>.
2. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, (1966)
3. The International Covenant on Civil and Political Rights, (1966).
4. Vienna Declaration and Programme of Action (1993)
5. The universal Declaration of Human Rights (1948).

ج) پایان نامه

۱. سالم، بهنام (۱۳۸۹) چالش‌ها و فرصت‌های آزادسازی تجاری کشاورزی در چند کشور منتخب آسیایی (با تاکید بر بخش‌های کشاورزی و صنعت ایران)، پایان نامه دکترای رشته علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.